

ظرفیت‌های علمی و فرهنگی ایران برای تحقق سند چشم‌انداز

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید: ۸۸/۲/۳

دکتر نجف لکزایی*

محسن مرادیان**

در این مقاله، نخست، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و چالش‌های پیش روی آن و جایگاه جنبش نرم‌افزاری بررسی می‌شود. از آن جا که متغیر ظرفیت‌های موجود، جایگاهی کلیدی در تحقق سند چشم‌انداز دارد، وضعیت موجود خود و برخی کشورهای منطقه را بررسی و نتیجه این بحث، آشکار خواهد ساخت که تحقق اهداف چشم‌انداز از نظر احراز جایگاه اول اقتصادی و علمی در میان همسایگان و کشورهای آسیای جنوب غربی، به علت مشکلات جمعیتی و بیکاری ناشی از آن و نیز مشکلات زیرساختی در زمینه‌های آموزشی و علمی و فن‌آوری، بسیار دشوار است؛ مگر آن که آهنگ رشد خود را نمائی و غیرخطی نموده تا بتوانیم با توجه به وضع موجود خود و کشورهای مورد نظر در سند چشم‌انداز، به اهداف مذکور در سند برسیم.

واژه‌های کلیدی: سند چشم‌انداز، برنامه‌ریزی فرهنگی، علم‌سنجی، برنامه‌ریزی علمی.

* حجة الاسلام و المسلمین دکتر نجف لکزایی استادیار علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)

** دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

برنامه‌ریزی، مهم‌ترین وظیفه هر مدیر یا سازمانی است که با منابع محدود، سعی در نیل به اهداف مشخص دارد. در ادبیات مربوط به برنامه‌ریزی، اصطلاحاتی همچون برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، مفاهیمی جا افتاده و رایج هستند. ولی برنامه‌ریزی فرهنگی، اصطلاحی است که اگر چه در برخی کشورهای پیشرفته، سالیان زیادی است مد نظر برنامه‌ریزان قرار گرفته، ولی در کشور ما سابقه چندانی ندارد و مروری به جایگاه بخش فرهنگ در چند برنامه کلان اقتصادی - اجتماعی کشور که در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اجرا شده است، صحت این ادعا را روشن می‌کند. با مروری بر گزارش‌ها و اسناد برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب (۱۳۵۷ - ۱۳۲۸) به نظر می‌رسد تا پیش از اجرای برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱ - ۱۳۴۷) چنین تلاش‌هایی اصلاً مطرح نبوده یا در بهترین حالت، قابل چشم پوشی بوده است. شاهد این ادعا، آن است که در ادبیات برنامه‌های عمرانی اول تا سوم، اصطلاح فرهنگ، اساساً به مفهوم فعالیت‌های آموزشی به کار برده می‌شده است.^۱



این غفلت از طرفی ناشی از وجود تعاریف متعدد از واژه فرهنگ و از طرف دیگر، متأثر از ماهیت آغشته به ارزش مفهوم «فرهنگ» بوده است. این وضعیت دشوار باعث شده تا برنامه‌ریزان، اغلب در دام افراط و تفریط بیفتند. برخی از برنامه‌ریزان، فرهنگ را به جزئی از حوزه اجتماعی و حتی اقتصادی تقلیل داده و بر این اساس، جایگاه بخش فرهنگ را در برنامه‌ریزی‌های کلان، بسیار کوچک در نظر گرفته‌اند. در سوی دیگر نیز کسانی قرار دارند که دایره مفهومی فرهنگ را چنان گسترده و کلان تعریف کرده‌اند که عملاً از حوزه کنش انسانی و برنامه‌ریزی خارج می‌شود.

در میان کشورهای دنیا نیز در این خصوص، دو دسته کلی از سیاست‌ها (حداقل از منظر تاریخی) قابل تشخیص است. دسته اول، گروه کشورهای دارای نظام برنامه‌ریزی متمرکز و اقتدارگرایانه که شکل آرمانی آن را در نظام‌های توتالیتر فعلی و سوسیالیستی سابق می‌توان پیدا کرد. این دسته از کشورها، که بقایای آن را فقط در برخی از نظام‌های استبدادی جهان سومی می‌توان سراغ گرفت، خود را مسئول معاش و معاد شهروندان تلقی نموده و در شعارهای خود، مقام بسیار بالایی را به فرهنگ اختصاص داده و تعهد بالایی نسبت به برنامه‌ریزی فرهنگی در خویش احساس می‌کنند. اما آن چه که در عمل مشاهده می‌شود، اهتمامی است که این دسته از نظام‌ها در پیرایش فرهنگ از ناپاکی‌ها و هدایت

آن به سرمنزل ارزش‌های ایدئولوژیکی در این زمینه از خود نشان می‌دهند و در این خصوص به‌ناچار چنان به افراط می‌گروند که همچون شوروی سابق با تعریف انواع مکانیسم‌های هدایتی و نظارتی، سر از مخفی‌ترین زوایای زندگی خصوصی افراد در می‌آورند.

اما گروه دوم، کشورهایی هستند که متعهد به نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز می‌باشند. مصادیق این دسته از کشورها، کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا است. در این کشورها نیز دو گروه، قابل تشخیص هستند. گروه اول، کشورهایی که بر اساس آموزه‌های «اقتصاد فرهنگ»، خود را ملزم به برنامه‌ریزی در ابعاد کمی فرهنگ می‌دانند و گروه دوم که شاخص آنها ایالات متحده آمریکا است، بر اساس انگاره اقتصاد آزاد رقابتی، دخالت و برنامه‌ریزی دولت را در هیچ حوزه‌ای از جمله فرهنگ روا ندانسته و در این امور دخالت نمی‌نمایند.^۲

چشم‌اندازها و برنامه‌ریزی فرهنگی

منظور از چیزی که ما آن را برنامه‌ریزی فرهنگی می‌نامیم، کلیه اقدامات و اعمالی است که برای بسامان کردن امور تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی صورت می‌گیرد؛ چیزی که در ادبیات مطالعات فرهنگی به «صنایع فرهنگی» مشهور شده است و منظور از آن ساز و کارهایی است که معطوف به تولید محصولات فرهنگی است. این صنایع، تمامی ساز و کارها و فرایندهایی که به نشر کالاهایی همچون کتاب، فیلم و... منجر می‌شود را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین و خطرناک‌ترین اشتباهات در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی، خلط مفاهیم نظام فرهنگی و صنایع فرهنگی است. در حالی که برنامه‌ریزی برای نظام فرهنگی، گاه غیرممکن به نظر می‌رسد، لکن برنامه‌ریزی برای صنایع فرهنگی، امری رایج و امکان‌پذیر است. بحث در این باره، بحثی در حوزه اجتماع است و از این رو همچون هر موضوع دیگری در این حوزه، قابلیت برنامه‌ریزی، کنترل و دستکاری دارد. بر این اساس، برنامه‌ریزی فرهنگی همچون سایر انواع دیگر برنامه‌ریزی‌ها در حوزه اجتماع، شامل برنامه‌ریزی برای تولید، توزیع و مصرف تولیدات فرهنگی است.^۳

از طرف دیگر و گذشته از هر مفهومی که برای فرهنگ قائل باشیم، برنامه‌ریزی نیز دارای گفتمان خاص خود است. در این گفتمان، پیش فرض هر نوع برنامه‌ریزی در هر حوزه‌ای، متغیر بودن موضوع مورد بررسی و امکان دستکاری و کنترل بر کم و کیف آن



است. بر این اساس، برنامه‌ریزی برای نظام فرهنگی به معنای دستکاری و کنترل اعتقادات و ارزش‌های موجود به منظور رسیدن به ارزش‌ها و اعتقاداتی متعالی‌تر که توسط برنامه‌ریزان تعریف و تعیین می‌شود، است.

اگر در نظر داشته باشیم که ارزش‌ها و اعتقادات در سطح فردی، اموری شخصی و مربوط به آزادی‌های فردی است، به سادگی در خواهیم یافت که کنترل و دستکاری متغیرهایی همچون ارزش‌ها و اعتقادات افراد، معنایی جز سانسور نخواهد داشت و این نوع برنامه‌ریزی نیز اساساً غیراخلاقی است. علاوه بر این اگر در نظر داشته باشیم که ارزش‌ها محصول عاملی فراتر از جامعه، یعنی محصول دیالکتیک جامعه و تاریخ هستند، مشخص خواهد شد که ابزارهای اجتماعی از جمله برنامه‌ریزی، برای تأثیرگذاری در این زمینه ناکارآمد هستند.

مهم‌ترین نکته در برنامه‌ریزی‌های عقلانی، توجه به شرایط و لوازمی است که آنها را مقید می‌سازد. در یک پروژه عقلانی، دو دسته از عوامل بر این که هدف‌ها چه و چگونه باشند، تأثیر می‌گذارند. که دسته اول، عوامل ایجاد و دسته دوم، عوامل محدود کننده هستند. عوامل ایجاد، ارزش‌های حاکم بر نظام فرهنگی و عوامل محدود کننده نظام‌های اجتماعی، سیاسی و طبیعی هستند که در یک کلام می‌توان آنها را واقعیات نامید. بنابراین، هدف‌های مناسب در یک برنامه‌ریزی عقلانی، هدف‌هایی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی جوامع هستند که تحقق آنها در چارچوب واقعیات، امکان‌پذیر باشد. بر این اساس، در اولین گام برای هر گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی - فرهنگی باید اهداف، به درستی و به دقت تعیین و سپس وسایل مناسب برای رسیدن به این اهداف در کمترین زمان و با کمترین هزینه مشخص شوند.

چشم‌اندازها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در واقع از نوع برنامه‌ریزی راهبردی یا درازمدت‌اند که از آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه الهام می‌گیرند و برنامه‌ریزی میان مدت و کوتاه مدت را هدایت می‌کنند. اما این رابطه، یک سویه نیست. هیچ آرمانی (هر چقدر ارزش‌مند) اگر با واقعیات جامعه سازگار نباشد، قابل تحقق نیست. پس استراتژی‌ها را باید مبتنی بر آرمان‌ها و سازگار با واقعیات و شرایط زمان و مکان طراحی کرد.^۴

نکته قابل توجه در این زمینه، این است که اگر چه برنامه‌ریزی‌های عقلانی، مقید به ارزش‌های فرهنگی هستند، ولی باید توجه داشت که در یک برنامه‌ریزی فرهنگی، ارزش‌های انتزاعی و عام، اهداف عملیاتی یک برنامه محسوب نمی‌شوند؛ زیرا ارزش‌ها

مفاهیمی بسیار کلان و انتزاعی هستند که عملیاتی کردن همه آنها امکان‌پذیر نیست. در واقع، برنامه‌ریزی فرهنگی، کنشی است که بر اساس مدل خرده نظام‌های کنشی پارسونز در حوزه نظام اجتماعی امکان‌پذیر است؛ نه در حوزه نظام فرهنگی. بر اساس نظریه پارسونز، نظام‌های فرهنگی؛ اهداف غایی و آرمانی برای سایر خرده نظام‌های کنشی محسوب می‌شوند. بر این اساس و در چنین گستره کلانی، سایر خرده نظام‌ها به مثابه ابزاری هستند که برای تحقق اهداف فرهنگی در کنش با یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند.

تجربه چشم‌انداز در دیگر کشورهای منطقه

در خصوص تجربه چشم‌انداز در کشورهای منطقه و تأثیر آنها باید گفت در کشورهای منطقه تا به حال شاهد چنین برنامه‌هایی نبوده‌ایم. چین و هند از کشورهایی هستند که برنامه‌های چشم‌انداز را تدوین و مورد استفاده قرار داده‌اند و موفقیت چین در عرصه‌های اقتصادی در راستای همین چشم‌اندازها بوده است. در این رابطه بعضی به عنوان یک ایراد جدی معتقدند با توجه به تغییرات اقتصاد جهانی و این که بسیاری از بازیگران عرصه قدرت و سیاست، سعی در تحمیل خواسته‌شان به نظام اقتصاد جهانی و نظام سیاسی- اجتماعی دارند و سرعت تحولات و غلظت تحولات به گونه‌ای است که امکان هدف‌گذاری بلند مدت را از دولت‌های ملی می‌گیرد. در پاسخ به این ایراد باید گفت علی‌رغم این ایراد، اصولاً مدیریت استراتژیک باید این توانایی را داشته باشد که بتواند تغییرات و تهدیدات را سازمان‌دهی کرده و آنها را کنترل و مهار نماید و حتی تهدیدات را به فرصت تبدیل کند. از این رو نظام برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری وظیفه دارد زمینه‌های مختلف را بررسی کرده و برنامه را با تحولات بین‌المللی تطبیق دهد.

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، ساختار سازمانی و تشکیلات اقتصاد کشور با مشکل مواجه است. اما این مشکلات، امری پذیرفته‌شده و شناسایی شده‌اند. برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز، شناخت نقاط ضعف و نارسائی‌ها و نقاط قوت و توانائی‌ها و سازمان‌دهی و بازنگری در ساختارها از الزامات است. تمامی موارد، طی مطالعات مختلفی که صورت پذیرفته، آشکار شده‌اند، و مستلزم اقدامات لازم برای تغییر می‌باشند.

پیشینه چشم‌انداز در ایران

چشم‌انداز، عمری بیش از یک دهه در مباحث مدیریت دارد و طرح آن به عنوان



چشم‌انداز ملی و منطقه‌ای نیز به دهه نود میلادی باز می‌گردد. آن چه در این بخش مطرح می‌شود، پیشینه چشم‌انداز در ایران است.

لزوم طرح پیشینه چشم‌انداز در ایران از آن رو می‌باشد که با نگاهی نقادانه به چشم‌اندازهای قبلی، علل عدم تحقق آنها در برخی موارد روشن شود تا در چشم‌اندازهای آینده، این نقایص، رفع و چشم‌اندازی شفاف و جامع تدوین شود.

با نگرشی تاریخی میتوان چشم‌اندازهای پیشین را به دو رویه «ملی» و «حکومتی» تقسیم نمود. مبنای این تقسیم‌بندی بر اساس نحوه تحقق و میزان مشارکت مردم می‌باشد که در ذیل به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

الف) رویه‌های ملی

رویه‌های ملی، جریان‌ات عظیم و خودجوشی هستند که از سوی مردم به حاکمیت منتقل می‌شوند و از آن می‌توان به «مطالبات ملی» نیز یاد نمود.

در این رویه، میان مسئولین و مردم، هم‌آهنگی و هم‌دلی بالایی وجود دارد و نخبگان جامعه نیز به‌عنوان «انقلاب اسلامی» و «دفاع مقدس»، دو نمونه عینی و قابل دسترسی از چشم‌اندازهای قبلی جمهوری اسلامی می‌باشند که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند:

چشم‌انداز انقلاب اسلامی؛ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را شامل می‌شد و بیشتر به مفهوم انقلاب سیاسی بود و خواستار دگرگونی وضعیت موجود از یک سیستم شاهنشاهی وابسته و مستبد به یک وضعیت مطلوب، آزاد و مستقل، دارای مردم‌سالاری و جمهوری اسلامی بود.

چشم‌انداز دوران جنگ؛ آزادی سرزمین‌های اشغال‌شده و تنبیه صدام بود. برای مردم، اهمیت وطن، نقش به‌سزایی داشته و تجزیه کشور قابل تحمل نبود؛ در نتیجه، وحدت ملی میان اقشار مختلف اجتماع شکل گرفت. مردم و مسئولین، شرایط را به‌خوبی درک کرده و سعی می‌نمودند برای حل مشکلات جامعه، گام‌های مؤثری بردارند. در این زمان، مسئله حیاتی، بیرون راندن دشمن از کشور و «تثبیت نظام» بود.

ب) رویه‌های حکومتی

رویه‌های حکومتی، رویه‌هایی هستند که از سوی سیاست‌مداران طراحی شده و به مردم منتقل می‌گردد. تفاوت چشم‌اندازهای حکومتی و ملی، در آن است که چشم‌اندازهای

ملی، فرایندی از پایین به بالا دارند؛ در حالی که چشم‌اندازهای حکومتی، فرایندی از بالا به پایین دارند. از مصادیق این رویه‌های حکومتی می‌توان به ایران ۱۴۰۰، برنامه‌های توسعه اقتصادی اول، دوم و سوم اشاره نمود. حدود ۵ سال پیش، مقام معظم رهبری در جلسه‌ای، وجود «حلقه مفقوده‌ای» را در برنامه‌ریزی کلان برای مسئولان ارشد نظام یادآور شدند و نیز فرمودند باید این حلقه مفقوده به تمام برنامه‌ها جهت دهد. بعد از این جلسه، «تدوین چشم‌انداز» به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد. دبیرخانه و کمیسیون‌های مجمع، با تلاش فراوان، چشم‌انداز اولیه را نوشته و به دنبال تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام به معظم‌له ارائه کردند. ایشان نیز پس از اصلاحاتی، آن را مجدداً به مجمع ارجاع دادند و بعد از تصویب نهایی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سوی مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه، سازمان‌ها و نهادهای مختلف ابلاغ شد.

سند چشم‌انداز بیست ساله

چشم‌انداز، یعنی نگاه بلند مدت به اهداف آرمانی و بلند پروازانه که در بستر زمان صورت می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، اهداف آرمانی که در قانون اساسی آمده یا نظریات رهبران سیاسی و مذهبی، به صورت برنامه‌های چشم‌انداز و بلند مدت تدوین می‌گردد. متعاقباً نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، این آرمان‌ها را عملیاتی یا اصطلاحاً «کمی» کرده و برنامه ۲۰ ساله‌ای را در قالب ۴ برنامه ۵ ساله تدوین می‌نماید و گام به گام به سوی هدف می‌رود. مثلاً هدف خودکفایی. در این خصوص ما باید بتوانیم در اقلامی که در سبد غذایی مردم است، مثل گوشت و نان، خودکفا شویم و این پدیده‌ای نیست که یک ساله یا دو ساله حادث شود. بنابراین، مستلزم زمان‌های طولانی است. یا اهدافی مثل تبدیل شدن به قدرت اول علمی در منطقه که در چشم‌انداز دیده شده است. تحقق چنین اهدافی مستلزم چندین برنامه کوتاه و میان مدت است که بنیان‌های علمی و مراکز تحقیقی را در انسجام منطقی و رفتاری قرار دهد تا در طی ۲۰ سال آینده، شاهد تبدیل این پتانسیل و شرایط بالقوه به بالفعل باشیم.

برنامه‌های پنج‌ساله و چشم‌انداز، مکمل یکدیگرند و این دو با هم نشان می‌دهند که در طول ۲۰ سال آینده و در هر یک از دوره‌های پنج‌ساله، چه حرکت‌هایی را باید انجام دهیم تا به هدف نهایی دست پیدا کنیم. اگر کشوری، آرمان‌های والایی همچون چشم‌انداز ۲۰ ساله داشته باشد، حسن بزرگی است، ولی مهم آن است که برای رسیدن به این



آرمان‌ها، برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد. چشم‌انداز ارائه شده، با توجه به افق‌های مدنظر، بسیاری از نارسایی‌های اقتصادی کشور را حل خواهد کرد و در نظر گرفتن دورنمای اقتصادی کشور، برنامه‌ریزی‌ها را هدف‌مند و جهت‌دار نموده و زمینه بهره‌مندی بهتر از منابع را فراهم خواهد نمود. معمولاً برنامه‌های ۵ ساله با تغییر دولت و مجلس دچار تغییر و تحول شده و امکان تحقق کامل پیدا نمی‌کنند. اما چشم‌انداز تدوین شده با توجه به دورنمای لحاظ شده در آن، موجب فراهم کردن زمینه‌های لازم برای اجرای چنین برنامه‌هایی می‌گردد.

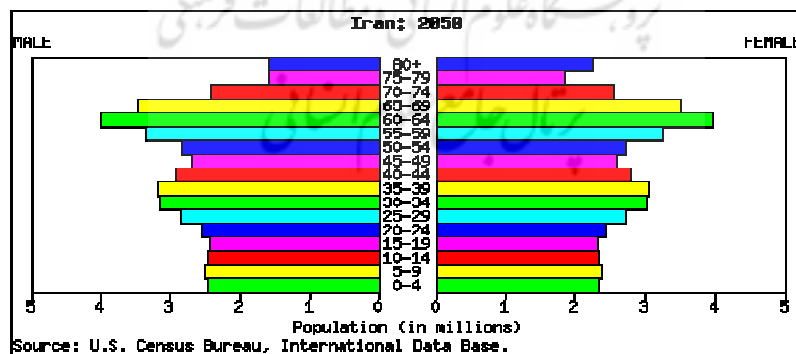
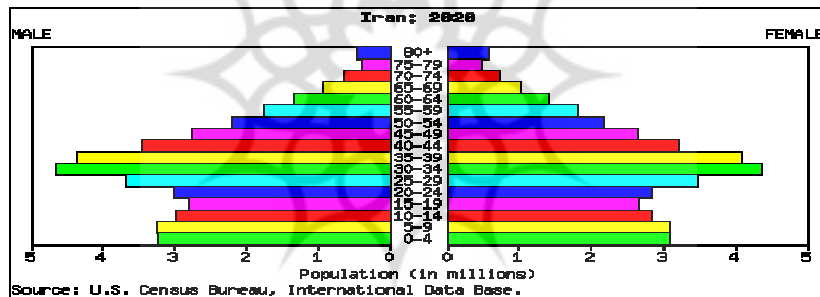
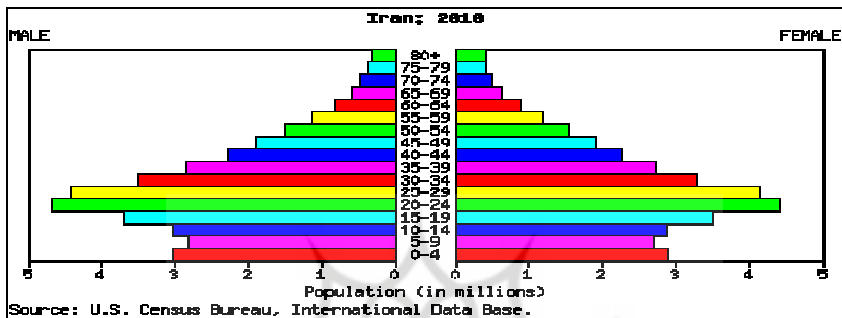
با توجه به تدوین استراتژی و این که چشم‌انداز، استراتژی سالهای آینده است، برای تحقق چشم‌انداز، زیرساخت‌های متناسب با اهداف مورد نیاز است. البته ما اکنون در کشور، زیرساخت‌هایی را داریم، اما این که آیا این زیرساخت‌ها بتوانند اهداف آرمانی را میسر سازند یا نه؟ جای شک است و این زیرساخت‌ها کافی به نظر نمی‌رسند. در نتیجه، برای تحقق کامل چشم‌انداز باید بسترسازی بیشتری صورت گیرد. ضمن آن که بسترهای موجود نیز به شدت، نیازمند توسعه بوده و حتی نیاز به تجدید بنا در انواع جدید خود را دارند. در واقع، زیرساخت، یکی از الزامات رسیدن به اهدافی است که در چشم‌انداز مطرح شده‌اند.

بررسی ظرفیت‌ها و امکان تحقق چشم‌انداز

در تدوین چشم‌انداز باید توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در مقابل، کمبودها، ضعف‌ها و نارسائی‌ها و فرصت‌های داخلی و خارجی و تهدیدها مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. سپس این فضا به جریانی منتج شود که به کاهش تهدیدها و حتی رفع محدودیت‌ها منجر شده و از دل اینها اهداف آرمانی بیرون آید. کشور ما از نظر قابلیت‌ها و توانایی‌ها در شرایط مناسبی قرار دارد. در این رابطه، نرخ رشد جمعیت و جمعیت جوان کشور می‌تواند یک فرصت باشد، اما اگر رها شود می‌تواند به یک تهدید جدی نیز تبدیل شود.

بنابراین، بر مبنای این فرصت‌ها بسیاری از اهداف آرمانی می‌توانند شکل گیرند. گستردگی سرزمین، تنوع آب و هوا، موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، همگی شرایطی را به وجود آورده‌اند که به اعتقاد صاحب‌نظران، امکانات دستیابی به اهداف چشم‌انداز را فراهم می‌نمایند. به شرط آن که نظام اجرایی، آن را باور داشته باشد. سلامت قوه مقننه و قضائیه هم شرط مهمی است که در تحقق چشم‌انداز تاثیرگذار است.

نمودارهای ذیل، ترکیب جنسی و سنی جمعیت ایران را از سال ۲۰۰۰ میلادی تا سال ۲۰۵۰ میلادی نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، قاعده هرم، بسیار بزرگ بوده و به تدریج تا سال ۲۰۲۰ یعنی سه چهارم افق چشم‌انداز، با حرکات دودی شکل خود به میانه هرم می‌رسد. این بخش از جمعیت، غیرمولد و فقط مصرف‌کننده بوده و در واقع، همه امکاناتی را که کشور برای تحقق سند چشم‌انداز لازم دارد، برای رشد خود می‌بلعد.



شکل ۱: نمودار تغییرات جمعیتی ایران تا سال ۲۰۵۰ میلادی منبع:

۱۷ در سند چشم‌انداز، ایران به عنوان کشوری که دارای جایگاه نخست اقتصادی، علمی و



فن آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی، شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه می‌باشد، دیده شده است. برای تحقق این هدف، احیا و افزایش رشد اقتصادی حداقل هفت درصدی در سال، نیاز اساسی کشور طی سال‌های آتی خواهد بود. در دهه ۶۰ شمسی بر اساس آمار موجود، ۱۸ میلیون نفر متولد شده‌اند که از سال ۸۰ سالانه یک میلیون و هشتصد هزار نفر از این جمعیت به سن بیست سالگی می‌رسند و به طور خوش‌بینانه می‌توان گفت که حداقل یک میلیون نفر از آنها جویای کار هستند. از سوی دیگر، برای ایجاد اشتغال جهت این افراد، سالیانه به میزان بیست تا بیست و پنج میلیارد دلار نیاز به سرمایه‌گذاری داریم. این در حالی است که بخش دولتی به کمک بخش خصوصی داخلی، تنها قادر به برآورده کردن نیمی از این رقم می‌باشد. بنابراین، کشور برای رهایی از این بحران، نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود. برای دستیابی به رشد اقتصادی حداقل هفت درصدی در سال، باید به تأمین اولویت‌های زیر پرداخت: پی‌گیری تمهیدی جهت آزادسازی اقتصادی باشیم و در عین حال، سرعت این کار نیز باید از سال‌های گذشته بیشتر و تأثیرگذاری آن عمیق‌تر باشد.

جهت ورود به اقتصاد جامعه جهانی، سیاست تنش‌زدایی بین‌المللی را ادامه دهیم. دستگاه قضایی ما باید پذیرای اصلاحات گردد و صفات یک دستگاه مقتدر قضایی، یعنی سلامت، نیرومندی، سخت‌گیری، مهربانی و بی‌طرفی را در خود ایجاد نماید. حقوق شهروندی حفظ و رعایت شود. در حال حاضر، سه گرایش کلی در افکار عمومی جامعه ایران وجود دارد که عبارتند از: عدالت اجتماعی و تحقق آن جهت کم کردن شکاف‌های طبقاتی موجود؛ توسعه سیاسی و تحقق دموکراسی تا با تحقق جامعه مدنی امکان پیشبرد اهداف نظام فراهم آید؛

گرایش اقتصادمحور که به رشد اقتصادی، توجه زیادی دارد. این در حالی است که اولویت مهم‌تر برای کارشناسان حتی با نگاه عدالت‌محور و یا دموکراسی‌محور، یک رویکرد اقتصاد محور جهت رشد تولید ناخالص ملی است؛ زیرا از این طریق به دو گرایش دیگر نیز نائل می‌شویم. در حال حاضر ۱۷٪ جامعه زیر خط فقر به سر می‌برند که دو میلیون خانوار و در مجموع ۱۱ میلیون نفر را شامل می‌شود. از سوی دیگر، سالیانه ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر از کشور خارج می‌شوند و دیگر باز نمی‌گردند. بنابراین، برای مدیریت مشکلات و بحران‌های پیش رو باید در ده سال آینده، کشور

حداقل از رشد ۷ درصدی در اقتصاد برخوردار باشد تا در نتیجه آن، سایر اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی حاصل گردند.^۶

از دیدگاه تاریخی، گذشته همواره چراغ راه آینده بوده و هست. از این رو برای تحلیل آینده یک کشور، هیچ‌گاه نمی‌توان به گذشته آن بی‌توجه بود. به علاوه، آینده بر اساس زیر ساخت‌هایی که اکنون وجود دارند، ساخته می‌شود. در نتیجه، بررسی موقعیت کنونی نیز حائز اهمیت بوده و نشان می‌دهد آیا با توجه به امکانات موجود، اهداف برنامه‌ریزی شده، قابل حصول می‌باشند یا نه؟

با توجه به این که در چشم‌انداز به وضعیت سایر کشورهای منطقه و همسایه نیز توجه شده و موقعیت ایران پس از ۲۰ سال، بالاتر از این کشورها ترسیم شده است، از این رو تنها توجه به موقعیت حال و گذشته خود کفایت نکرده و برای تبیین درست مسئله و بررسی‌های نزدیک به واقع، لازم است موقعیت حال و آینده این کشورها را هم بررسی نموده تا بتوان به درستی و با استفاده از روش‌های آکادمیک قابل دفاع، در مورد تحقق اهداف مذکور در سند چشم‌انداز قضاوت نمود.

برای این کار لازم است موقعیت کنونی ایران با کشورهای یادشده مقایسه شود. جدول ذیل، موقعیت ایران را در ابعاد مختلف که می‌توانند در تحقق چشم‌انداز موثر باشند، با کشورهای مذکور مقایسه نموده یا وضعیت ایران را در جهان نشان می‌دهند:

کشور	جمعیت
هند	۱۰۴۹۷۰۰۱۱۸
پاکستان	۱۵۰۶۹۴۷۴۰
مصر	۷۴۷۱۸۷۹۷
ایران	۶۸۲۷۸۸۲۶
ترکیه	۶۸۱۰۹۴۶۹
افغانستان	۲۸۷۱۷۲۱۳
ازبکستان	۲۵۹۸۱۶۷۴
عراق	۲۴۶۸۳۳۱۳
عربستان سعودی	۲۴۲۹۳۸۴۴
سوریه	۱۷۵۸۵۵۴۰
میانگین	

کشور	نرخ بیکاری (%)
تاجیکستان	۴۰
سوریه	۲۰
گرجستان	۱۷
آذربایجان	۱۶
اردن	۱۶
ایران	۱۶
ترکیه	۱۰
رژیم صهیونیستی	۱۰
ازبکستان	۱۰
هند	۸
پاکستان	۷
میانگین	۱۰٫۲

جدول ۱: مقایسه جمعیت ایران و برخی

جدول ۲: مقایسه نرخ بیکاری در ۱۹

کشورهای منطقه. منبع: ^۷ایران و برخی کشورهای منطقه. منبع: ^۸

کشور	شاخص توسعه انسانی	کشور	نرخ باسوادی (%)
رژیم صهیونیستی	۰,۸۹	تاجیکستان	۹۹,۴
کویت	۰,۸۱	ازبکستان	۹۹,۳
امارات متحده عربی	۰,۸۱	گرجستان	۹۹
عربستان سعودی	۰,۷۶	ارمنستان	۹۸,۶
ارمنستان	۰,۷۵	قزاقستان	۹۸,۴
عمان	۰,۷۵	ترکمنستان	۹۸
قزاقستان	۰,۷۵	آذربایجان	۹۷
گرجستان	۰,۷۵	رژیم صهیونیستی	۹۵
ترکیه	۰,۷۴	اردن	۹۱
آذربایجان	۰,۷۴	ترکیه	۸۶,۵
ترکمنستان	۰,۷۴	کویت	۸۳,۵
ازبکستان	۰,۷۲	ایران	۷۹,۴
ایران	۰,۷۲	عربستان سعودی	۷۸,۸
اردن	۰,۷۱	امارات متحده عربی	۷۷,۹
قرقیزستان	۰,۷۱	سوریه	۷۶,۹
سوریه	۰,۶۹	هند	۵۹,۷
تاجیکستان	۰,۶۶	مصر	۵۷,۷
مصر	۰,۶۴	پاکستان	۴۵,۷
هند	۰,۵۷	عراق	۴۰,۰
پاکستان	۰,۵۰	افغانستان	۳۶
میانگین	۰,۶	میانگین	۶۲,۱۵

جدول ۳: مقایسه شاخص‌های توسعه جدول ۴: مقایسه نرخ باسوادی در

انسانی ایران و برخی کشورهای منطقه منبع: ^۹ ایران و برخی کشورهای منطقه منبع: ^{۱۰}

همان طور که ملاحظه می‌گردد ایران در پایان افق چشم انداز، حدود ۹۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. نرخ بیکاری فعلی حدود ۱۶٪ است که با توجه به آن چه در مورد مولید دهه ۶۰ وجود دارد و روندی که تاکنون برای ایجاد اشتغال در کشور وجود داشته است، اگر این روند ادامه یابد، با وجود خیل عظیم بیکاران که بالاجبار و ناخواسته ضمن

عدم مشارکت در تولید، مصرف کننده نیز می‌باشند، تحقق اهداف اقتصادی مورد نظر چشم‌انداز دشوار به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، این جمعیت بیکار می‌تواند منشأ مشکلات سیاسی متعددی شود که در جای خود، مانع تحقق اهداف اقتصادی می‌گردند.^{۱۱}

یکی از شاخص‌های فرهنگی که سند چشم‌انداز به آن توجه داشته، موضوعات فرهنگی کشور بوده و ایران را الهام‌بخش جهان اسلام و دارای جایگاه نخست در میان کشورهای منطقه و همسایه (که نام برده شد)، معرفی کرده است. یکی از زیرساخت‌های اصلی برای تحقق این هدف، سطح سواد جامعه است؛ زیرا به طور طبیعی، هیچ‌گاه یک جامعه بی‌سواد نمی‌تواند الهام‌بخش دیگر جوامع بوده و از نظر فن‌آوری و علمی رشد کند. شاخص‌های مندرج در جداول فوق نشان می‌دهند که ایران، تنها با اختلاف فاحش از کشورهای افغانستان و پاکستان و عراق جلوتر بوده و تقریباً با عربستان و امارات و سوریه هم سطح و از بقیه کشورهای منطقه با اختلاف قابل توجه، عقب‌تر است. از این رو برای تحقق اهداف چشم‌انداز، لازم است فعالیت بیشتری در این زمینه صورت گیرد. با توجه به این که عربستان، ازبکستان و حتی اردن، نزدیک به ۷٪ تولید ناخالص داخلی خود را به امر آموزش اختصاص می‌دهند، ایران تنها حدود ۳٪ از تولید ناخالص داخلی خود را در موضوعات آموزشی صرف می‌کند و به این ترتیب نمی‌توان امیدوار بود که از این نظر حائز رتبه اول گردد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد با توجه به این که ما می‌خواهیم جایگاه اول را به دست آوریم، شاید اهمیت زیادی نداشته باشد که ما در این زمینه چقدر صرف می‌کنیم، بلکه مهم این است که رقبای ما نیز بیکار ننشسته و آنان نیز برای ارتقای خود تلاش می‌کنند. تلاشی که به استناد آمارهای مذکور، بعضاً بیش از تلاش ماست!

شاخص‌های توسعه انسانی نیز که می‌توانند در الهام‌بخش کردن ایران برای مسلمانان جهان نقش مهمی ایفا کنند، وضعیت ایران را بعد از کشورهای ارمنستان، عمان، قزاقستان، گرجستان، ترکیه، کویت و حتی عربستان و امارت نشان می‌دهند.^{۱۲} با توجه به طرح‌هایی که برای تبدیل ترکیه به کشور الگوی مسلمانان منطقه وجود دارد و با توجه به ادعاهای عربستان در خصوص ام‌القرائی جهان اسلام، به نظر می‌رسد ادامه روندهای موجود نمی‌تواند ما را به اهداف چشم‌انداز برساند و برای تحقق این اهداف، بایستی سرعت خود را بیشتر کنیم.



وضعیت علمی ایران

بر اساس اطلاعات منتشره در پایگاه‌های ISI وضعیت علمی ایران طی سال‌های اخیر به نحو ملموسی رو به رشد داشته و نسبت به گذشته، پیشرفت چشم‌گیری از خود نشان داده است. اما این رشد برای تبدیل شدن به کشور اول منطقه ناکافی بوده و در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه و حتی همسایه، ایران برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز، باید تلاش بیشتری به عمل آورد.

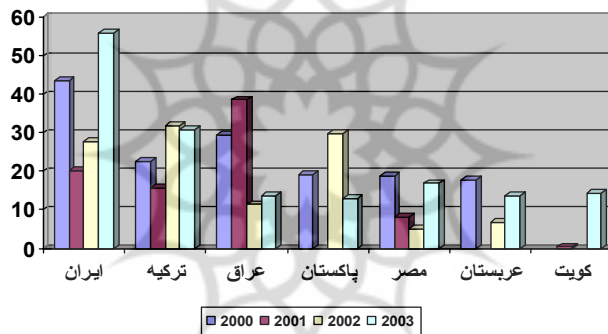
البته در نگاه انتقادی به شاخص‌های مذکور، به این موضوع نیز توجه داریم که اولاً پایگاه‌های نظیر ISI فقط موارد مورد نظر خود را در محاسبات منظور نموده و از احتساب تولیدات دینی و شاخه‌های علوم انسانی ما اجتناب می‌نمایند و ثانیاً ایران در برخی زمینه‌ها مانند موشک‌سازی پیشرفت‌هایی داشته است که نمی‌تواند آنها را در پایگاه‌هایی نظیر ISI ارائه نماید. بنابراین، سهم ایران از تولید علم جهان، کمتر از واقع نشان داده می‌شود. بی‌تردید، یکی از دلایل کمتر نشان دادن سهم ایران، محرمانه بودن برخی تحقیقات است. لکن می‌توان پیش‌بینی نمود که دیگر کشورها نیز طرح‌های محرمانه دارند که آن طرح‌ها نیز در پایگاه مذکور نمی‌آیند و چه بسا تعداد طرح‌های محرمانه آنان بیش از ما باشد. در نتیجه، اگر این موارد را کنار گذاشته و آنها را در مورد همه کشورها تقریباً یکسان در نظر بگیریم، می‌توان بر اساس اطلاعات آشکار منتشره قضاوت نمود که سهم ایران از تولید علم، علی‌رغم آن که از کشورهای نظیر ترکیه، مصر و حتی عربستان کمتر است، اما روند آن سیر صعودی داشته و در حال سرعت گرفتن است. نمودارها نشان می‌دهند که نرخ رشد تولید علمی ایران طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ از همه کشورهای منطقه و همسایه بیشتر بوده است. این نقطه شروع خوب و جای امیدواری برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز است، مشروط بر آن که این روند طی ۲۰ سال آتی همچنان ادامه یافته و حفظ شود. بررسی تولیدات علمی در سال ۲۰۰۳ در پایگاه‌های ISI نشان می‌دهد در این سال، ایران با ۳۳۲۶ رکورد علمی ثبت شده در این پایگاه‌ها حضور داشته است. در سطح گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی، تولید علمی ایران در پنج گروه تحصیلی و ۱۴۸ رشته تحصیلی قرار گرفته است. در بین گروه‌های تحصیلی، گروه علوم پایه ۴۸,۴ درصد، گروه علوم پزشکی ۲۴,۶ درصد گروه فنی و مهندسی ۱۹,۲ درصد، گروه کشاورزی و دامپزشکی ۵,۳ درصد و گروه علوم انسانی ۲,۵ درصد از تولید علمی ایران را به خود اختصاص داده‌اند.^{۱۳}

وضعیت تولید علمی در هر یک از رشته‌های تحصیلی نشان می‌دهد در گروه علوم پایه،

رشته شیمی آلی، در گروه علوم پزشکی، رشته داروشناسی و داروسازی، در گروه فنی و مهندسی، رشته مهندسی برق و الکترونیک، در گروه کشاورزی و دامپزشکی، رشته علوم دامپزشکی و در گروه علوم انسانی، رشته روانشناسی در مراتب اول هر گروه قرار گرفته‌اند. وضعیت ارجاعات تولیدات علمی ایران به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی و مهم در بررسی‌های علم‌سنجی نشان می‌دهد مجموع ۳۳۲۶ رکورد تولید علمی ایران، دارای ۹۹۳ ارجاع بوده‌اند.

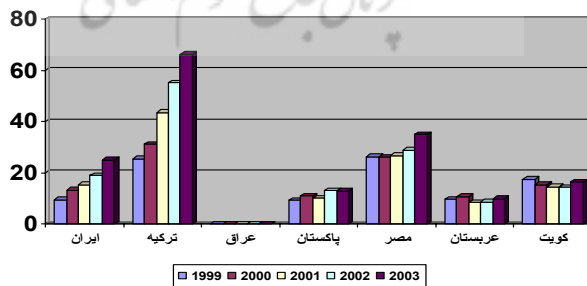
ضریب تأثیر به عنوان یک شاخص مهم در ارزیابی کیفی تولیدات علمی برای مجموع ۳۳۲۶ رکورد تولید علمی ایران ۰,۳ به دست آمده است. همچنین مجموع مراجع مورد استفاده در تولید علمی ایران نیز ۷۰۴۴۹ مورد می‌باشد که متوسط آن ۲۱,۲ مورد برای هر تولید علمی است.^{۱۴}

نرخ رشد تولید علمی طی سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۳



شکل ۲: مقایسه نرخ رشد تولید علم در ایران و چند کشور منطقه
منبع: ^{۱۵}

مقایسه نسبت تولید علمی به GNP

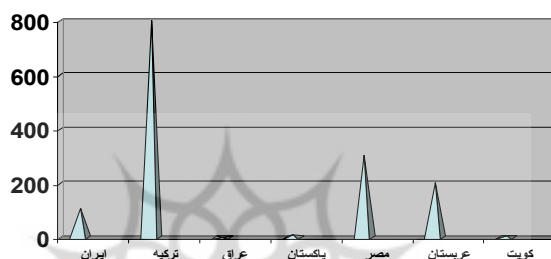




شکل ۳: مقایسه نسبت تولید علم به تولید ناخالص داخلی ایران و چند کشور منطقه منبع: ۱۶

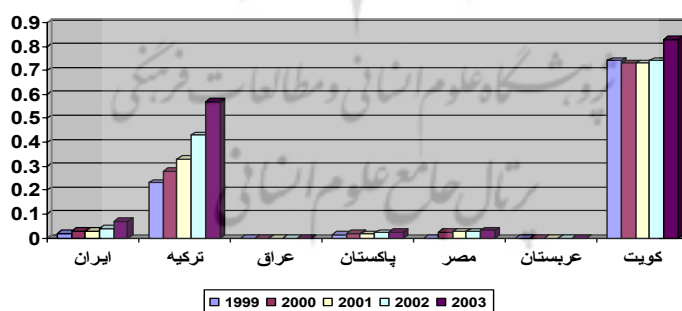
مقایسه تولید علم در ایران با دیگر کشورهای همسایه نشان می‌دهد که رقیب جدی ایران در این زمینه، ترکیه است که هم بهره‌وری سرمایه و هم بهره‌وری نیروی انسانی تحقیق و توسعه آن بیشتر از ایران می‌باشد.

سهم تولید علم کشورهای مختلف در سال ۲۰۰۰ در پایگاه های ISI



شکل ۴: سهم تولید علم کشورهای مختلف در سال ۲۰۰۰ میلادی در پایگاه ISI منبع: ۱۷

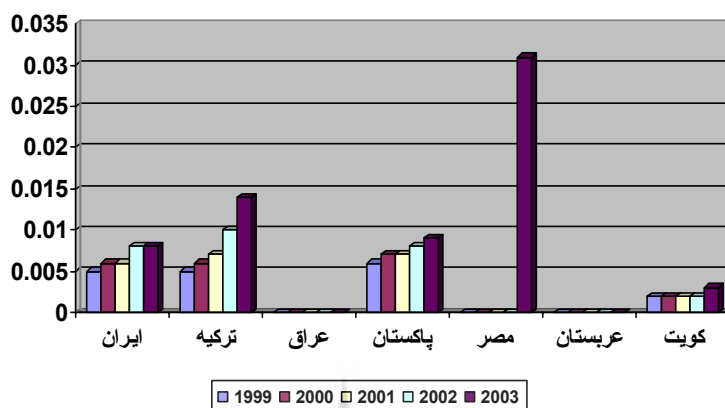
مقایسه نسبت تولید علمی به نیروی انسانی تحقیق و توسعه (بهره وری نیروی کار)



شکل ۵: مقایسه نسبت تولید علم به نیروی انسانی تحقیق و توسعه در چند کشور

منطقه (بهره‌وری نیروی کار) منبع: ۱۸

مقایسه نسبت تولید علمی به بودجه تحقیق و توسعه (بهره وری سرمایه)

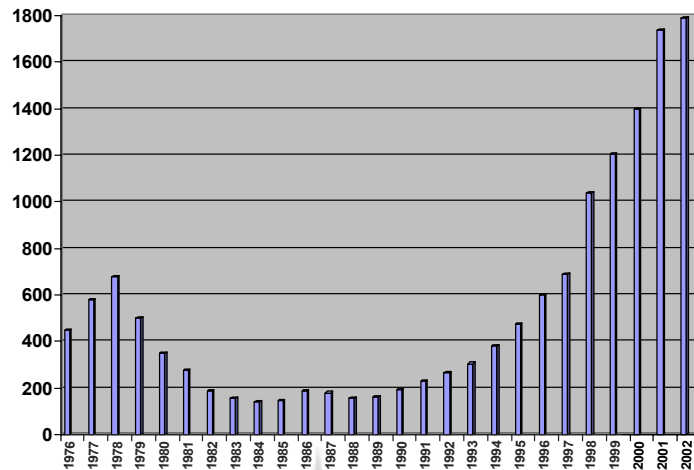


شکل ۶: مقایسه نسبت تولید علم به بودجه تحقیق و توسعه در چند کشور منطقه

(بهره‌وری سرمایه) منبع: ۱۹

بررسی تولید علمی ایران طی ربع قرن پایانی سده بیستم میلادی، نشان می‌دهد که تا قبل از انقلاب، این روند یک روند افزایشی بوده است. با وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی، این روند به طور محسوسی، سیر نزولی یافته و در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی به نقطه حضيض خود می‌رسد. پس از خاتمه جنگ، با استفاده از تجربیات ارزشمند حاصل از جنگ و توجه بیشتر به امر تحقیق و توسعه، روند مذکور، مجدداً سیر صعودی یافته و پس از حدود بیست‌سال به نقطه‌ای که هنگام وقوع انقلاب داشت، می‌رسد. آهنگ رشد این روند، بسیار چشمگیر است؛ به طوری که تنها پس از ۵ سال به سه برابر نقطه مذکور دست می‌یابد! این روند، بسیار امیدوار کننده و مسرت‌بخش است و اگر همچنان ادامه یابد، تحقق هدف سند چشم‌انداز، امکان پذیر خواهد بود.

توزیع سالیانه مقالات ایرانی طی سالهای 1975 الی 2002



شکل ۷: توزیع سالیانه مقالات ایرانی در پایگاه ISI طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۲
منبع: ۲۰

جایگاه علمی ایران در میان کشورهای در حال توسعه

به دلیل کمبود اطلاعات در کشور، شناسایی جایگاه دقیق و روزآمد کشور مطابق استانداردهای بین‌المللی در این حوزه دشوار است. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهند شکاف تولیدات علمی و فن‌آورانه ایران با کشورهای توسعه‌یافته و بعضاً در حال توسعه، در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی قابل توجه است. حدود ۵۰ درصد از تولیدات بخش صنعت ایران محصولات متکی به منابع اولیه است که حائز کمترین به‌کارگیری فن‌آوری در تولید آن است. حدود ۲۰ درصد تولیدات صنعتی محصولات با فن‌آوری پائین و تقریباً ۳۰ درصد بقیه تولیدات صنعتی کشور، با فن‌آوری‌های متوسط تولید می‌شوند. میزان تولیدات صنعتی متکی به فن‌آوری برتر در ایران در سال ۱۳۷۸ تنها ۲٫۵ درصد تخمین زده شده که عمدتاً محصولات الکترونیکی است. در میان اقلام صادراتی نیز تنها ۱ درصد صادرات کشور متکی به فن‌آوری‌های برتر است. این در حالی است که ۲۵ درصد صادرات جهان به اتکای فن‌آوری‌های برتر صورت می‌گیرد و ۲۷ درصد صادرات دارای فن‌آوری برتر جهان را کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص داده‌اند.^{۲۱}

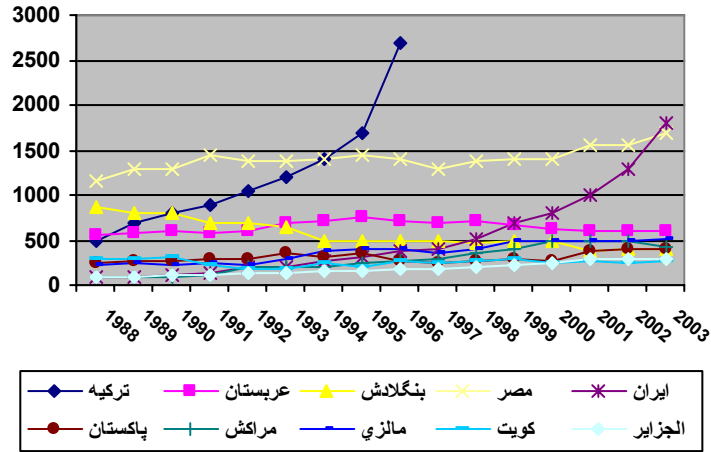


سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از درآمد ناخالص ملی در سال ۱۳۷۹ کمتر از ۰,۵ درصد و سهم نیروی انسانی محقق در هر یک میلیون نفر تنها ۵۹۰ نفر بوده است. این نسبت در کشوری مثل تایوان به ترتیب ۲ و ۳۰۰۰ نفر می‌باشد. شاخص تقاضای ثبت اختراع و اکتشاف در ایران در سال ۱۳۷۷ برابر ۳۳۷ مورد بوده؛ در حالی که همین رقم در کره جنوبی ۵۰۷۱۴ مورد می‌باشد.^{۲۲} مبلغ فروش لیسانس در کشور تقریباً صفر است. در صورتی که همین شاخص در کره جنوبی در سال ۱۳۷۸ معادل ۴۵۵ میلیون دلار بوده است.

جایگاه علمی ایران در میان کشورهای اسلامی

علی‌رغم گذشته درخشان علمی، تولید علم در کشورهای اسلامی که بیش از ۱,۳ میلیارد نفر از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده‌اند، بسیار اندک است. بنابراین، جامعه علمی این کشورها کوچک، محدود و غیرمولد باقی مانده است.^{۲۳} تلفیق داده‌های مربوط به ۲۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که به طور متوسط، سالیانه کمتر از ۳۴ صدم درصد (۰/۳۴٪) از GDP این کشورها صرف تحقیق و توسعه شده است که رقم بسیار پائینی بوده و بسیار کمتر از میانگین جهانی (۲,۳٪) در همان بازه زمانی می‌باشد. علاوه بر این، طی دو دهه گذشته شمار مقالات ارائه شده توسط این کشورها ثابت مانده یا حتی کاهش یافته است که البته در این میان، دو استثنای مسلم وجود دارد:

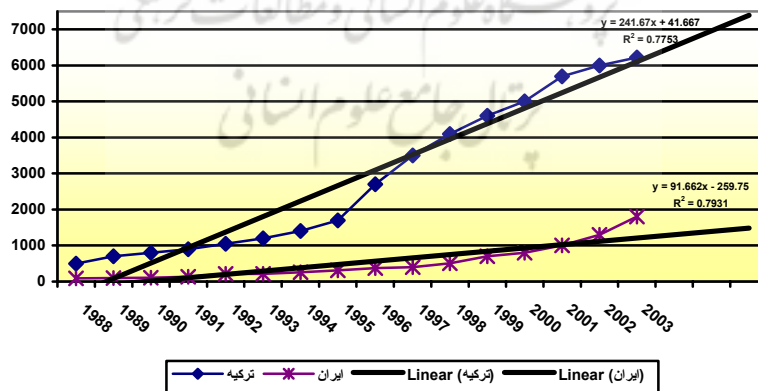
میزان چاپ مقالات علمی ترکیه از ۵۰۰ مورد در سال ۱۹۸۸ به بیش از ۶۰۰۰ مورد در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دیگر ستاره در حال طلوع، ایران است که از حد بسیار کم زیر ۱۰۰ مقاله در دو دهه پیش، به حدود ۲۰۰۰ مقاله در سال رسیده است. هر دوی این کشورها از مصر که در گذشته از تمام کشورهای OIC جلوتر بود، پیشی گرفته‌اند. مصر در این سال‌ها رشد آهسته‌ای داشته است.^{۲۴}



شکل ۸: آهنگ رشد تولیدات علمی برخی کشورهای اسلامی طی سال‌های ۱۹۸۸ الی

۲۰۰۳

شکل زیر، آهنگ حرکت علمی ایران و ترکیه را با یکدیگر مقایسه می‌کند. برای انجام مقایسات دقیق‌تر، پس از انجام رگرسیون، معادله خطی که به داده‌های مربوط به ایران برازش شد، $y = 91.66x - 259.75$ و معادله خطی که به داده‌های مربوط به ترکیه برازش شد، $y = 241.67x - 41.66$ به دست آمد. مقایسه این دو معادله نشان می‌دهد که شیب جهش علمی ترکیه حدود ۳ برابر ایران بوده و ترکیه مهم‌ترین رقیب ایران برای رسیدن به اقتدار علمی می‌باشد. نکته قابل توجه، این که از این معادلات می‌توان برای پیش‌بینی آینده نیز استفاده نمود.



شکل ۹: مقایسه آهنگ حرکت علمی ایران و ترکیه



برنامه ریزی برای تحقق اهداف علمی چشم انداز

برنامه‌ریزی، مهم‌ترین وظیفه هر مدیر یا سازمانی است که با منابع محدود، سعی در نیل به اهداف مشخص دارد. در ادبیات مربوط به برنامه‌ریزی، اصطلاحاتی همچون برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، مفاهیمی جا افتاده و رایج هستند. ولی برنامه‌ریزی علمی، اصطلاحی است که اگر چه در برخی کشورهای پیشرفته سالیان زیادی است که مد نظر برنامه‌ریزان قرار گرفته، ولی در کشور ما سابقه چندانی ندارد و مروری به جایگاه علم در چند برنامه کلان اقتصادی - اجتماعی کشور که در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اجرا شده‌اند، صحت این ادعا را روشن می‌کند.

با توجه به این که یکی از اهداف تحقیق حاضر، شناسایی الگوهای برنامه‌ریزی برای کسب اقتدار علمی کشور می‌باشد، بنابراین، ذیلاً الگویی پیشنهاد می‌گردد که با تعمیم و پیروی از آن می‌توان به کسب اقتدار علمی در منطقه امیدوار بود:

برای نیل به اقتدار علمی کشور، آهنگ رشد علم در ایران باید یک آهنگ غیرخطی باشد. اگر این آهنگ، خطی باشد، جبران عقب‌ماندگی‌های فعلی، هیچ‌گاه قابل تصور نخواهد بود و عملاً اقتدار علمی، امکان تحقق نخواهد یافت. به طور مثال اگر ما هر سال ۲۰ نفر دکترای فیزیک تربیت کنیم، پس از ۳۰ سال ۶۰۰ نفر تربیت می‌شوند که رقم بسیار ناچیزی است. به علاوه پس از این مدت، تعادل برقرار شده و سالی ۲۰ نفر بازنشسته خواهند شد. یعنی دیگر به این تعداد افزوده نخواهد شد. چاره این است که همواره درصدی از تعداد موجود را تربیت کنیم. فرض کنیم n فیزیکی‌دان داریم و می‌خواهیم این تعداد را به N نفر برسانیم. می‌کشیم هر سال $\frac{1}{a}$ ام تعداد موجود را تربیت کنیم تا پس از x سال این تعداد، به تعداد مطلوب N نفر برسد. در این صورت با استفاده از فرمول مقابل، جدول زیر را خواهیم داشت:

$$x = \frac{\text{Log} \left(\frac{N}{n} \right)}{\text{Log} \left(1 + \frac{1}{a} \right)}$$

		$\frac{N}{n}$		
		$\frac{1000}{200}=5$	$\frac{10000}{500}=20$	$\frac{30000}{500}=60$
$\frac{1}{a}$	$\text{Log} \left(\frac{N}{n} \right)$	۰,۷	۱,۳	۱,۷۸
$20\% = \frac{1}{5}$	$\text{Log} \left(1 + \frac{1}{5} \right) = 0.08$	۹	۱۶	۲۲
$10\% = \frac{1}{10}$	$\text{Log} \left(1 + \frac{1}{10} \right) = 0.04$	۱۷	۳۲	۴۴
$5\% = \frac{1}{20}$	$\text{Log} \left(1 + \frac{1}{20} \right) = 0.02$	۳۵	۶۵	۸۹



این جدول، تعداد سال‌های لازم، x برای مقادیر مختلف N/n و نیز آهنگ رشد $1/a$ را به دست می‌دهد. بر اساس این جدول هرگاه ما ۵۰۰ فیزیکیان داشته و بخواهیم آنها را به ۱۰۰۰۰ نفر برسانیم (که برای احراز جایگاه اول منطقه این تعداد لازم است)، اگر سالیانه ۲۰٪ تعداد موجود فیزیکیان تربیت شوند، در این صورت، تعداد مورد نظر طی ۱۶ سال تربیت خواهند شد. اگر این نسبت ۱۰٪ باشد، این مدت ۳۲ سال که تقریباً دو برابر افق چشم‌انداز می‌باشد، به طول خواهد انجامید و هرگاه این نسبت ۵٪ باشد، این مدت به ۶۲ سال افزایش خواهد یافت. بنابراین، دستگاه‌های اجرایی و برنامه‌ریز کشور باید منابع خود را برای تربیت سالیانه ۲۰٪ فیزیکیانان موجود بسیج کنند؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان به تحقق اهداف سند چشم‌انداز امیدوار بود. این محاسبات می‌توانند به سایر موارد نیز تعمیم یابند و از این نظر که اعداد و ارقام مورد نیاز را برای رسیدن به اهداف نشان می‌دهند، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند.

نتیجه‌گیری

سند چشم‌انداز، تصویری آرمانی از آینده است که اهداف بلندمدت یک کشور را نشان

می‌دهد. چشم‌انداز بیست‌ساله ج.ا.ا با قائل شدن جایگاه نخست علمی و اقتصادی برای ایران در میان کشورهای آسیای جنوب غربی و همسایه، به طور شفاف، هدف‌گذاری نموده و به خروج از حالت توسعه‌نیافته فعلی، الهام بخشی در جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل اشاره نموده است.

تجربه نشان می‌دهد که گذشته و حال، چراغ راه آینده بوده و بدون توجه به وضعیت فعلی هیچ ملتی، نمی‌تواند در مورد آینده آن قضاوت نمود. در واقع، این حال است که آینده را می‌سازد. منطق روش‌های آماری و ریاضی، نظیر برازش (رگرسیون) نیز بر همین اصل استوار است. از این رو برای بررسی تحقق اهداف چشم‌انداز، توجه به وضعیت کنونی خود و کسانی که می‌خواهیم در این رقابت از آنان جلو بزنیم، ضروری است.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، سالیانه یک میلیون جویای کار به جمع جویندگان قبلی کار افزوده می‌شود که برای اشتغال آنان به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است. این خیل عظیم هم می‌تواند برای تحقق چشم‌انداز فرصت باشد و هم اگر خوب مدیریت نشود، برای آن تهدید بوده و مانع تحقق آن گردد. این جمعیت، بلعنده همه امکاناتی است که برای تحقق چشم‌انداز لازم است.

مقایسه نرخ باسوادی ایران با کشورهای که در سند چشم‌انداز با آنها رقابت دارد، نشان می‌دهد که شاخص‌های سواد در اغلب این کشورها بالاتر از ایران می‌باشند و تنها کشورهایی چون افغانستان، عراق و پاکستان از ایران عقب‌تر هستند. بنابراین، برای جلوگیری از این کشورها، به تلاش بیشتری نیاز است. در زمینه توسعه انسانی نیز شاخص‌ها وضعیت بسیاری از رقبای بهتر از ایران نشان می‌دهند. در مقایسه با این کشورها، تولید علمی ایران باید به طور لگاریتمی و نه خطی، افزایش یابد تا بتوانیم از آنان جلو زده و به جایگاه مورد نظر در سند چشم‌انداز دست یابیم. علی‌رغم آن که آهنگ تولیدات علمی ایران طی چند سال اخیر بسیار امیدوارکننده بوده، لکن هنوز تولید علمی ایران از کشورهای چون ترکیه، کمتر است و با این آهنگ، قادر نخواهیم بود به جایگاه نخست علمی و فن‌آوری در منطقه دست یابیم؛ مگر آن که سرعت خود را بیشتر کنیم. برای اینکار باید بهره‌وری نیروی تحقیق و توسعه و بهره‌وری سرمایه‌های انجام شده در این بخش (هر دو) را افزایش دهیم.

در این رابطه، تنها می‌توان گفت سند چشم‌انداز، فقط با همکاری سه قوه و اصلاح برخی ساختارهای اقتصادی، محقق می‌شود. با بهره‌گیری از منابع و سرمایه بخش

خصوصی و نیز جلب سرمایه‌های خارجی برای رفع کمبود منابع می‌توان بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به سوی دستیابی برای رشد اقتصادی ۷ تا ۸ درصدی حرکت کرد. اجرای اهداف چشم‌انداز، نیاز به همفکری، همدلی و مشارکت ملی دارد. البته با توجه به پتانسیل‌های موجود در ایران، امکان تحقق اهداف چشم‌انداز وجود دارد؛ منتهی مستلزم مدیریت صحیح منابع است. تحقق چشم‌انداز، مستلزم این است که همه واحدها و بخش‌ها خود را سهیم و مؤثر در تحقق چشم‌انداز بدانند. چشم‌انداز، قطعاً به صورت دستوری و بخشنامه‌ای تحقق پیدا نخواهد کرد و تنها از طریق مشارکت، همفکری و همدلی همه واحدها می‌توان به اهداف آن دست پیدا کرد. نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت، این است که چشم‌انداز، نباید تافته جدا بافته از سیاست‌های کلی و خط‌مشی‌ها و سایر برنامه‌های اجرایی کشور باشد. اگر برنامه‌ریزان، چشم‌انداز را در اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت خود لحاظ نکنند و کمافی‌السابق، راه خود را بروند و چشم‌انداز را تنها زینت‌بخش مقدمه برنامه‌های کلان قرار دهند، ره به جایی نخواهیم برد. نقش و جایگاه مردم در تحقق چشم‌انداز نیز اهمیت حیاتی دارد. تحقق برنامه چشم‌انداز نیاز به سختکوشی، وجدان کار و انضباط اجتماعی دارد و الا چشم‌انداز در حد یک شعار باقی خواهد ماند. قوای سه‌گانه و ارکان و اجزای قوا اگر بر روی این برنامه، وحدت و عزم ملی نداشته باشند، چشم‌انداز، تحقق نخواهد یافت. چشم‌انداز، نیاز به نظارت جدی و مؤثر دارد و هر بخشی چنان چه نظارت نگردد، در ایفای تعهدات و وظایف خویش، سست و دلمرده خواهد شد. ما با تحقق چشم‌انداز باید به جهانیان بفهمانیم که رتبه اول منطقه، حداقل شایستگی‌هایی است که ملت ایران باید از آن برخوردار باشد.



پی‌نوشت‌ها

۱. پرویز جلالی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران (تهران: انتشارات آن، ۱۳۷۹) چ اول، ص ۱۶۵.

2. http://did.ir/did.ir_03-01-11/
کدبازیابی.PP 00020045405451715.

۳. کرمانی - روزنامه شرق، ۸۴/۳/۳.

۴. پرویز جلالی، پیشین، ص ۵۹.

5. US Census Bureau July 17, 2003

6. <http://www.khaligefars.com>

7. CIA World Factbook, December 2004

8. OECD. 2003.

9. UNESCO Institute for Statistics, March 11, 2003

۱۰. همان.

11. http://bazbaran.ir/Fa/Content/Content.aspx?cat_id=217

12. UNESCO Institute for Statistics, March 11, 2003

۱۳. سکینه انصافی و حسین غریبی، ۱۳۸۳. <http://www.nrisp.ac.ir/browse>.

php? a_code= A-10-2-10&slc_lang=fa&sid=10&ftxt=1 ص ۴۶۷.

۱۴. سکینه انصافی و حسین غریبی، پیشین، ص ۴۶۹.

۱۵. همان، ص ۴۲۹ - ۴۲۵.

۱۶. همان.

۱۷. همان.

۱۸. همان.

۱۹. همان.

۲۰. رضا منصوری، توسعه علمی ایران (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲) ص ۹۳.

۲۱. حجت الله حاج حسینی، تحقیق و بررسی پیرامون نظام توسعه فناوری ایران،

فصلنامه توسعه تکنولوژی، سال سوم، ش ششم، بهار ۱۳۸۴، ص ۸۰

۲۲. همان، ص ۹.

۲۳. سید مجید ظهیری، اقتدار علمی و پژوهشی ایران در منطقه: انتباهات و الزامات

(در پرتو سند چشم‌انداز بیست ساله) - *فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی* -

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی - شماره بهار و تابستان ۱۳۸۴، ش ۱۳ و

۱۴ - ص ۶۷.

۲۴. پگاه پورمرشد، علم در کشورهای اسلامی، *نشریه قاف* ۱۷ مهر ۱۳۸۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

